

محمدی، محمدحسین، ۱۳۲۳ - .
هدیه یار: مدایح و مراثی ائمه اطهار(ع) غزلیات، رباعیات/ محمدحسین محمدی، قم: گنج عرفان، [ناشرین
همکار]: ابتکار دانش، انسان امروز، یاران قلم، ۱۳۹۰.
۵۳۰ ص:.

ISBN 978-964-6061-36-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
۱. شعر مذهبی - قرن ۱۴. ۲. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. مدایح و مراثی ائمه اطهار(ع)، غزلیات، رباعیات. ب.
عنوان.
PIR ۸۲۰۳ / ح ۸۴۶۵
۱۳۹۰
۸ فا ۱/۶۲



• دیوان کامل هدیه یار

مدایح و مراثی ائمه اطهار(ع)؛ غزلیات، رباعیات

■ محمدحسین محمدی

□ ناشر: گنج عرفان

□ ناشرین همکار: انسان امروز، یاران قلم

□ ناظر چاپ: مسعود حبیب‌الهی

□ نوبت چاپ: اول ناشر؛ چهارم کتاب، ۱۳۹۰

□ چاپ: کتیبه

□ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

□ قیمت: ۸۵۰۰ تومان

□ شابک: ۸-۳۶-۶۰۶۱-۹۶۴-۹۷۸

ISBN 978-964-6061-36-8

• مراکز پخش:

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۵۶۷

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۶۵۳۹۲

قسم: خیابان صفاییه، کوچه بیگدلی، گوی جلال‌زاده، گوی شریفی

تهران: انقلاب، جمالزاده جنوبی، پلاک ۱۴۴، واحد ۸

WWW.Ketabeparsi.com & Email: Ganjeertan@yahoo.com

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

دیوان کامل

هدیه یار

www.ketab.ir

محمد حسین محمدی

فهرست مطالب

۲۳	■ پیشگفتار.....
۲۷	۱ □ تضمینی از غزل محتشم کاشانی / شاهنشهی که عرش خدا راست گوشوار.....
۲۹	۲ □ تضمینی از غزل حافظ وصال یار / گر کسی در طلبت عاشق شیدا باشد.....
۳۱	۳ □ حسین پیشوای انسان‌ها / شاه شهید تا زسر زین زمین فتاد.....
۳۱	۴ □ کام مرگ / ثباتی نیست در این عمر یاران.....
۳۲	۵ □ "مولودیه حضرت مهدی (عج)" / آمده سرو چمن آمده جانان من.....
۳۴	۶ □ امام زمان (عج) / ای منتظران موده که آمد مه انوار.....
۳۵	۷ □ صد و ده دوبیتی «ع» / به نام قادر حی توانانمایم.....
۵۳	۸ □ مولودیه امام زمان / هنگامه شادی و سرور آمد.....
۵۵	۹ □ میلاد پیغمبر اکرم (ص) / می‌زداید بلبل طبعم زده‌ها هر غمی.....
۵۶	۱۰ □ امام زمان عج / یا امام زمان کی می‌آیی.....
۵۶	۱۱ □ خورشید پس ابر / گل رویت مه تا بان نداند.....
۵۷	۱۲ □ حضرت مهدی (عج) تضمین از غزل حافظ / امید وصل تو را از خدای خود طلبیدم.....
۵۹	۱۳ □ ابا صالح / ابا صالح التماس دعا هر کجا هستی یاد ما هم باش.....
۶۰	۱۴ □ رحمت حق از جان پیغمبر (ص) / شهر یشرب بود مردی در شباب.....
۶۱	۱۵ □ فاطمه زهرا س / تو بودی آرام و صبر و قرار من.....
۶۳	۱۶ □ علی تنها / بین حال علی زهرا / شدم من بی کس و تنها.....
۶۴	۱۷ □ حضرت رقیه (س) / به روز به باغبون بود.....
۶۶	۱۸ □ حضرت علی اکبر (ع) / باغبان کرده نظر تا برگل نیلوفرش.....
۶۷	۱۹ □ حضرت علی اصغر (ع) / ای علی اصغرای شیرۀ جان من.....
۶۹	۲۰ □ علی اکبر / بیاید از حرم بیرون جوانان بنی هاشم.....
۷۰	۲۱ □ حضرت علی اکبر (ع) / ای علی اکبرم یوسف خوش منظم.....

- ۷۱ «یا عباس» / هرگز نکرده خنده که دندان نماشود ۷۱
- ۷۲ □ حضرت عباس «ع» / مصحف قرآن ناطق بر زمین افتاده است ۷۲
- ۷۳ □ دریا دل / به دریا زد دل خود را لبان تشنه بیرون شد ۷۳
- ۷۴ □ یا ابو فاضل / یا ابو فاضل / از روز ازل نام تو شد ثبت بر این دل ۷۴
- ۷۶ □ لاله خونین / گل سیمین بدنم شمع هر انجمنم (۲) ۷۶
- ۷۷ □ قاسم ابن الحسن / قاسم ابن الحسن جان عمو کن مددی ۷۷
- ۷۸ □ مصیبت / عمو جان من بلا گردان روی اصغر هستم ۷۸
- ۷۹ □ حضرت رقیه «س» / سرگشته بهر دیدن من اندر این ویران رأس باب آمد ۷۹
- ۸۰ □ حضرت رقیه «س» / عمه غمدیده بیا در برم ۸۰
- ۸۰ □ آخرین جانباخته، عبدالله بن حسن / کودکی در خیمه با روی چو ماه ۸۰
- ۸۱ □ سرباز کوچک عبدالله بن حسن / مجتبی را بود یک نور بصر ۸۱
- ۸۲ □ فاطمه صغری / بابای خوب من حسین کجایی ای نور دو عین ۸۲
- ۸۵ □ یوسف زهرا / یوسف زهرا دل بیدار می خواند تو را ۸۵
- ۸۶ □ کربلا گلزار عشق / کربلا ای وادی اصرار عشق ۸۶
- ۸۷ □ هلال غم / از آسمان هلال محرم شد آشکار ۸۷
- ۸۷ □ باغبان کربلا / روز عا شورا که روز داغ بود ۸۷
- ۸۹ □ فاطمه صغری / خدایا نیست باب تاجدارم ۸۹
- ۹۰ □ مادر و فرزند / بگفتم مادرا برگو خدا کیست؟ ۹۰
- ۹۱ □ فراق یار / گل از بلبل جدا کردند برادر جان خدا حافظ ۹۱
- ۹۱ □ ابو بصیر / گفت از قول حمیده بو بصیر ۹۱
- ۹۲ □ شهادت امام صادق «ع» / دل از داغ امام صادق و از غربتش سوزد ۹۲
- ۹۲ □ امام حسن مجتبی / اشک ماتم بریزم ز رنج و محن ۹۲
- ۹۴ □ مصیبت امام حسن مجتبی (ع) / امام مجتبی نویاوه دین ۹۴
- ۹۴ □ میلاد مسعود حضرت علی ابن موسی الرضا / میلاد مسعود سبط رسول الله است ۹۴
- ۹۵ □ عشق حسین (ع) / یا عشق آمده است حسین ز امتحان برون ۹۵
- ۹۶ □ شهادت امام جواد «ع» / ز سوز زهر جفا سوخت جسم و جان من ۹۶
- ۹۶ □ حضرت موسی ابن جعفر (ع) / خداوندا دلی خونین من از جور خسان دارم ۹۶
- ۹۷ □ همدم زینب (س) / قربان جسم بی سرت ای برادر جان ۹۷

- ۴۹ □ کاروان غم / رهسپار سفرم یاعلی کن مددی ۹۹
- ۵۰ □ گذر کاروان یازدهم عاشورا / کاروان می‌گذرد یا علی کن مددی ۹۹
- ۵۱ □ ساربان آرام / ساریان آخر لحظه‌ای آرام ۱۰۱
- ۵۲ □ مجنون درگور / چو مجنون رخت بست زین دهر آشوب ۱۰۱
- ۵۳ □ حکایت لیلی و بیماری / سرایم داستانی دلپذیری ۱۰۲
- ۵۴ □ بال جبرئیل / این بارگه بنا شده بر بال جبرئیل ۱۰۴
- ۵۵ □ رباعیات / گلستان را نسیم جویبارم ۱۰۵
- ۵۶ □ بیت‌ها / مرد عاقل آن که این گنجینه عمرگران ۱۱۴
- ۵۷ □ فاطمه زهرا(س) / فاطمه فاطمه فاطمه جان من ۱۳۲
- ۵۸ □ حضرت فاطمه زهرا(س) / هزار شکر نمایم که بخت بالین است ۱۳۲
- ۵۹ □ محرم و کربلا / یاران فرود آید اینجا سنگر ماست ۱۳۳
- ۶۰ □ جان زینب / بر رزمگاه تا گذر کاروان فتاد ۱۳۴
- ۶۱ □ چرخ کج مدار / اف بر تو چرخ ازجه نمودی تو کارزار ۱۳۵
- ۶۲ □ عاشورا / روز عاشور ابه میدان نبرد ۱۳۵
- ۶۳ □ ساقی پور شیر خدایم / پرچم افراز قالدو بلایم ۱۳۷
- ۶۴ □ خرابه / خرابه باغ گل گردید و من آن بلبل نازم ۱۳۸
- ۶۵ □ میلاد امام موسی ابن جعفر(ع) / تا گل گلزار زهرا پرده از رخ برگرفته ۱۳۹
- ۶۶ □ میلاد امام کاظم(ع) / درفضای عالم هستی چنین غوغا بود ۱۴۰
- ۶۷ □ حضرت مهدی(عج) / ای قلم حرف‌هایت اثر نیست ۱۴۰
- ۶۸ □ عشق ازل / من که از روز ازل برعشق تو دل بسته‌ام ۱۴۱
- ۶۹ □ جایگاه / اگر بودی مرا جاه و مقامی ۱۴۲
- ۷۰ □ بانک اذان / بانگ اذان بگوשמ ۱۴۳
- ۷۱ □ کودکانه / بعضی وقت‌ها که دلم می‌گیره ۱۴۳
- غزلیات ۱۴۵
- ۱ □ عطر نگار / به یاد نام توام بوی یار می‌شوم ۱۴۷
- ۲ □ حیران / همدمی تادل زارم دهد آرام نبود ۱۴۷
- ۳ □ بلبل و پروانه / نشستم یک شبی با بلبل و پروانه درمحمل ۱۴۸

- ۴ □ سینه سبنا / از برای غم دل سینه سینا تنگ است ۱۴۹
- ۵ □ نرگس مست / خرمی از زلف سیه شاخه یا سمن تویی ۱۴۹
- ۶ □ گنج محبت / آرزو دارم به باب آستان آرم تو را ۱۵۰
- ۷ □ موج سیماب / شبی سیمین تنی مهتاب پیکر ۱۵۰
- ۸ □ مست محبوب / من از آن روزی که دیدم مست و شیدایت ۱۵۱
- ۹ □ طالب جان / بهر دیدار تو این دادن جان راطلب است ۱۵۲
- ۱۰ □ نجوای عاشق / ای خدا امشب دلم گردیده تنگ ۱۵۳
- ۱۱ □ غم دو سب / همواره از طرف تو به دل غمی دارم ۱۵۳
- ۱۲ □ تقاضا / بخوان در دیده ام نقش تقاضایی که من دارم ۱۵۴
- ۱۳ □ درد و داغ / با آه و ناله و درد دل ها مون نشسته ام ۱۵۵
- ۱۴ □ آبادی چشم / خرابم از نگاه شیوه مستانه چشمت ۱۵۵
- ۱۵ □ شعر و داغ / شنیدم شام دو شین ناله باد خزانی را ۱۵۶
- ۱۶ □ ناپایدار / زبس که نامرادی دیده ام از خویش بیریدم ۱۵۸
- ۱۷ □ عمر گذرا / عمر من باغم گذشت و گشت جانم برلیم ۱۵۹
- ۱۸ □ مهربانی کو / این خاطر آزرده من جز رگم نیست ۱۵۹
- ۱۹ □ دل داده / در جهان دل داده بسیارند یک دلدار کو ۱۶۰
- ۲۰ □ باده هستی / باده نوشا درخم هستی می آتاب نیست ۱۶۱
- ۲۱ □ راز حرم / پس رنج سفر برده ملامت بشنیدم ۱۶۲
- ۲۲ □ بیش و کم / گر قبولت هست قسمت بیش و کم یکسان بود ۱۶۳
- ۲۳ □ ماجرا / دی بدیدم دوستی را در ره سبزه بدست ۱۶۴
- ۲۴ □ نصیحت ذوقافیتین / تا به کی نالی جو بلبل بر سر گل زار ۱۶۵
- ۲۵ □ ستاره سهیل / بوسه بر جام زدم تو به خود بشکستم ۱۶۶
- ۲۶ □ بالا دست / بود وصلت مدام هرگز نیستم رنج هجرانت ۱۶۶
- ۲۷ □ دلربا / دلبری را گر به پایش جان و دل ریزم خوش است ۱۶۷
- ۲۸ □ جایگاه دل / جای اندر دل مرا زان روی زیبا ماند و بس ۱۶۸
- ۲۹ □ دل بهانه جو / سراغ شعر مرا دل ز بیکرانه گرفت ۱۶۹
- ۳۰ □ چشمان منتظر / دلم از نرگس بیمار تو بیمار می گردد ۱۷۰
- ۳۱ □ عطر شقایق / دیشب از هر طرفم بوی شقایق می بود ۱۷۰

- ۳۲ □ سالار عشق / بی تو رنجور منم ، غیر تو دلدارم نیست ۱۷۱
- ۳۳ □ سپاس / کنم شکر تو ای خداوندگار ۱۷۱
- ۳۴ □ بحر فنا / کاش هر روز سر کوی تو بود منزل من ۱۷۲
- ۳۵ □ سزینهان / کیست کا شفته آن زلف نکویت نشود ۱۷۳
- ۳۶ □ محرم اسرار / دیر باز است به عشق تو گرفتارم من ۱۷۳
- ۳۷ □ قصه شب / هر زمان بانگ طنین تو به جان می آید ۱۷۴
- ۳۸ □ طلای سفید / نگاه و غمزه و نازت شکوفه باران شد ۱۷۴
- ۳۹ □ بال طاووس / چشم زیبای تو تفسیر حجاب است بلی ۱۷۵
- ۴۰ □ ساز دوستی / آنکه جانم را رباید نیست غم ۱۷۶
- ۴۱ □ شکوه جمال / طنین نکبت روی تو از شکوفایی است ۱۷۷
- ۴۲ □ آرامش دل / دل مشتاق من بادیدنت آرام می گیرد ۱۷۷
- ۴۳ □ پیوند عشق / زدست دادر هم فریاد ای عشق ۱۷۸
- ۴۴ □ شعر زمان / این دیده دیر چهره زیبار بازگفت ۱۷۹
- ۴۵ □ روز بارانی / دلا هست مجو از تابکاری ۱۷۹
- ۴۶ □ رد پای آشنا / تو یک روز بر دیده ام دیده بستی ۱۸۰
- ۴۷ □ رنگ و ریا / روزی که دیده بر رخ تو باز کرده ام ۱۸۱
- ۴۸ □ آئینه گویا / در گلستان همچو بلبل در چمن پروانه شو ۱۸۲
- ۴۹ □ عطش آرزو / تشنه در مانده را آب گوارا خوش تر است ۱۸۲
- ۵۰ □ خروش دل / ز دیدن تو ندانم دلم کجا بردی ۱۸۳
- ۵۱ □ سخن دل / پیر روشندل مکن منعم ز می دیوانه ام ۱۸۴
- ۵۲ □ کلک روان / چگونه بر حبیب درد این چند ساله بنویسم ۱۸۴
- ۵۳ □ عشق و مستی / لذت دیدار را جز عاشق دلخون نداند ۱۸۵
- ۵۴ □ شعاع نور / می گریزد تیرگی آن دم که بیند خور را ۱۸۶
- ۵۵ □ رد پای یار / ای دوست از زمانه وفا بی ندیده ام ۱۸۶
- ۵۶ □ دیدار یار / نظر بر روی زیبا بی تو ای رعنا گهر بندم ۱۸۷
- ۵۷ □ خنده صبح / خنده صبح است روشن می نما ید کام ما ۱۸۷
- ۵۸ □ عاقلان دانند / زندگانی بر مراد عشق یکسان کردن است ۱۸۸
- ۵۹ □ خنده دندان نما / گر شود روی تو روشن جلوه گیرد گام تو ۱۸۹

- ۶۰ □ زودتر / ای عزیزه زجان برخیز ازجا زودتر ۱۸۹
- ۶۱ □ مرغ عاشق / تویی کبوتر زیبا و جانم آشیانه توست ۱۹۰
- ۶۲ □ کلام نافذ / دارم گلایه من زدل و هم ز دیده‌ام ۱۹۰
- ۶۳ □ خدا زیبا آفرید / هزاران مرحبا گویم تو را محبوب دل انگیز ۱۹۱
- ۶۴ □ درد دل یادوست / جز به وصل توام ای دوست امیدم نبود ۱۹۲
- ۶۵ □ وفای دوست / بیا آموز رمز دلربایی ۱۹۳
- ۶۶ □ نصیحت / ای دل در این سرای اقامت چه می‌کنی ۱۹۳
- ۶۷ □ به یاد دوست / چندیست دلم در طلب روی تو بوده ۱۹۴
- ۶۸ □ گذر دوست / نباشد غیر تو دلبر مرا زین دهر محبوبم ۱۹۴
- ۶۹ □ وضو / بهره‌دار تو ای دوست وضو باید کرد ۱۹۵
- ۷۰ □ نطق گویا / نیاز نیست به شرم تو نطق گویایی ۱۹۶
- ۷۱ □ قیل وقال / چیست دنیا محبتی باقیل وقال آمیخته ۱۹۶
- ۷۲ □ صدای آشنا / با تمام آرزو از دل صدایت می‌کنم ۱۹۷
- ۷۳ □ راز هستی / صفای عشق صفای خداست در هستی ۱۹۷
- ۷۴ □ دیوانه‌ای کمتر / نداری تاب سرمستی یوف پیمانه‌ای کمتر ۱۹۸
- ۷۵ □ نگاه سبز / سبزه از سبزی چشم تو صفا می‌گیرد ۱۹۹
- ۷۶ □ شب و تهفایی / باز شب گشت دو دیده ز غمت دریا شد ۱۹۹
- ۷۷ □ شام دو شین / دوش یار آمدو ابروی برافروخته داشت ۲۰۰
- ۷۸ □ گردون زمان / ای جوان پرنشاط کم کن شتاب ۲۰۰
- ۷۹ □ شاخه زنبق / من شاخ زنبق بوده‌ام با عشق تو گل داده‌ام ۲۰۳
- ۸۰ □ دنیا فنا / چیست دنیا جان من قبل و مقالی بیش نیست ۲۰۴
- ۸۱ □ پس از مرگ / نمی‌دانم پس از مرگم چه خواهد بر سرم آید ۲۰۵
- ۸۲ □ علم اعداد / دیشب طریق علم عدد چهره تو بدیدم ۲۰۷
- ۸۳ □ عشق و فراق / بار مهرت را به جان ای جان شیرین می‌کشم ۲۰۸
- ۸۴ □ طیب مراد / اگر مرا تو برانی بگو کجا بروم ۲۰۹
- ۸۵ □ فیض پایدار / من که در راه وصال نشنیم از پا ۲۰۹
- ۸۶ □ بهترین جمال / از آن روزی که دیدم طره جانانه خود را ۲۱۰
- ۸۷ □ سرنوشت / به پیری چون رسد آدم دگر برنا نمی‌باشد ۲۱۰

- ۸۸ □ هم قفس / ز جان خسته‌ام ای جان بگو چه می‌خواهی ۲۱۱
- ۸۹ □ آوای ناموزون / بس که جفا بدیده‌ام از همه دل بریده‌ام ۲۱۲
- ۹۰ □ بخت نافرجام / بخت نافرجام اگر با من سریاری کند ۲۱۲
- ۹۱ □ گل و دولت / گرآید دربرم دلدارم امشب ۲۱۳
- ۹۲ □ شمع و پروانه / قصه عشق زحال دل دیوانه پیرس ۲۱۳
- ۹۳ □ حسن جمال / ز سر قصه زلف تو پریشانم من ۲۱۴
- ۹۴ □ دورنگی / وفا و مهر مخواه خود ز مردمان دورنگ ۲۱۴
- ۹۵ □ دل ویران / بگذارید کنم گریه به ویرانی خود ۲۱۵
- ۹۶ □ گله از دوست / گفتم کنم شکایت خود پیش دلبرم ۲۱۶
- ۹۷ □ زبان نگاه / گر زبانم را نمی‌دانی نگاهم را نگر ۲۱۶
- ۹۸ □ چاره غم / اندر این دریای پرامواج غرقم چاره چیست ۲۱۷
- ۹۹ □ محراب عشق / برم من سجده سر بر طاق محراب دو ابرویت ۲۱۸
- ۱۰۰ □ داغ بسمل / کجا باشد زهجران مرا صبر و شکیبایی ۲۱۹
- ۱۰۱ □ مادر / نرود یاد تو اندر نظرم مادر جان ۲۲۰
- ۱۰۲ □ قبله‌گاه / قبله‌گاه دل من ماه دل آرای تو شد ۲۲۰
- ۱۰۳ □ راز مگو / ای توانمندی که برهستی جان فرمان‌روایی ۲۲۱
- ۱۰۴ □ پند پیغمبر اکرم «ص» / گفت پیغمبر به اصحاب از وفا ۲۲۳
- ۱۰۵ □ گله ازدل / حسرت این آرزو بردل بماند پاک نیست ۲۲۳
- ۱۰۶ □ ننگ و عار / پاک کن از دفتر دل نقش نام و ننگ را ۲۲۴
- ۱۰۷ □ حال پریش / چه می‌پرسی ز احوالم به دل صدها زیان دارم ۲۲۵
- ۱۰۸ □ خدای چاره ساز / به نام دوست خور سندم که‌ای زیبا نگار من ۲۲۶
- ۱۰۹ □ موج عشق / نهنگ موج اقیانوسم اندر گِل نمی‌گنجم ۲۲۸
- ۱۱۰ □ کلید پیروزی / کلید رمز پیروزی به دست توست همت کن ۲۲۸
- ۱۱۱ □ امید وار / ای دل امیدوار بمان تا که یار من ۲۲۹
- ۱۱۲ □ مفتون نگاه / گرتو هم با دیده‌ام بینی نگاه خویشتن ۲۳۰
- ۱۱۳ □ منزنگه یار / گر کسی پرسد ز من آن ماه را منزل کجاست ۲۳۰
- ۱۱۴ □ سودای گیسو / مرا اندر سرم شوری است از سودای گیسویت ۲۳۱
- ۱۱۵ □ قالب گِل / چون که از روز ازل از قاف لبم گِل ساختند ۲۳۲

- ۱۱۶ □ شمس تا بان / ای که حسنت از همه زیبای عالم خویشتر. ۲۳۳
- ۱۱۷ □ سروسپهی / موزون قامت تو ز سرو هم فرازتر. ۲۳۳
- ۱۱۸ □ بلای دل / دید دل از تو بلایی و کس اینگونه ندید. ۲۳۴
- ۱۱۹ □ منصب شاهی / رفتنت روی زمین حیف است ای سرو سپی. ۲۳۴
- ۱۲۰ □ کار گلشن / مرا با عشق کاریست از گل و گلشن نمی آید. ۲۳۵
- ۱۲۱ □ باغ وصل / باغ عشق من بجای گل همی خارا آورد. ۲۳۵
- ۱۲۲ □ باد صبا / برو اینک صبا از جا نبم سوی نگار من. ۲۳۶
- ۱۲۳ □ تقدیر / صبا کن همتی دل را ز هجر یار دلگیرم. ۲۳۶
- ۱۲۴ □ گلزار / گلزار این دل من واله و شیدای توست. ۲۳۷
- ۱۲۵ □ طالب دلدار / آنکه شد طالب تو ای گل بیخار منم. ۲۳۸
- ۱۲۶ □ سرمنزول / ز آب دیده گان گل شد براه عشق سر منزل. ۲۳۹
- ۱۲۷ □ قلم / قلم از چیست که سوز دل من بی اثر است. ۲۳۹
- ۱۲۸ □ غبار دل / بیا بیا و پاک کن ز دیده ام غبار دل. ۲۴۰
- ۱۲۹ □ خواب ناز / یار اندر خواب ناز است و دلم در تاب و تب. ۲۴۱
- ۱۳۰ □ شراب عرفان / شراب از جام ساقی نوش کلام دل بیار آرد. ۲۴۱
- ۱۳۱ □ مصلحت عشق / که یار با همه خوب است مثل پروین است. ۲۴۲
- ۱۳۲ □ رایحه صبا / شنو نسیم صبارا که بوی یار من است. ۲۴۳
- ۱۳۳ □ گل و بوستان / این تویی یا گل به بستانی پدیدار آمدی. ۲۴۴
- ۱۳۴ □ رنج یار / هیچ چیز مشکل تر از دوری و رنج یار نیست. ۲۴۵
- ۱۳۵ □ آرامگه یار / خرم آن بیت که آرامگه یار من است. ۲۴۶
- ۱۳۶ □ سیلاب اشک / شام دوشین از غم دوریت جانم تاب رفت. ۲۴۶
- ۱۳۷ □ شور عشق / عشقت اندر دل و در پرده بسی مشهور است. ۲۴۷
- ۱۳۸ □ خبر عشق / کس این کند که دل از عشق بر حذر دارد. ۲۴۸
- ۱۳۹ □ سنگ خارا / عشق آتش را اگر در سنگ خارا جاکند. ۲۴۹
- ۱۴۰ □ جفای زمان / کز جفای روزگار از یار دور افتاده ام. ۲۴۹
- ۱۴۱ □ مقصد / غم عشق توام بنمود جا در سینه ام منزل. ۲۵۰
- ۱۴۲ □ چهچه بلبل / روی دلم چو چهچه بلبل شنیده ام. ۲۵۰
- ۱۴۳ □ آئینه مهتاب / دل از آن محراب ابروی رخت بیتاب بود. ۲۵۱

- ۱۴۴ □ گوهر سخن / مگو درپیش سنگین دل سخن چون گوهر خود را ۲۵۲
- ۱۴۵ □ چراغ حجله / چراغ حسرت از روشن نسازد خانه دل را ۲۵۲
- ۱۴۶ □ نقش خاطر / عاشق دلداده در یکجا نمی‌گیرد قرار ۲۵۳
- ۱۴۷ □ کشتی در گرداب / کاش از اول مرا مهر و عطای تو نبود ۲۵۴
- ۱۴۸ □ سودای محبت / غم عالم نبود تا سر سودای توام ۲۵۴
- ۱۴۹ □ نجوای سحر / من آن شمع که می‌سوزم به پای عشق دلدارم ۲۵۵
- ۱۵۰ □ جام صبا / رفتن از یاد تو یک لحظه فراموشم نیست ۲۵۶
- ۱۵۱ □ طوفان وفا / نشاید که دل از یار خویش بردارم ۲۵۷
- ۱۵۲ □ شب و غم / چرا هوش به حال من دل شیدای من گرید ۲۵۸
- ۱۵۳ □ سخن در پرده / بگفتم راز دل باتو که آخر با ظلم کردی ۲۵۹
- ۱۵۴ □ دهر بی دیوار / گرچه این دهر ندارد نه درو دیواری ۲۵۹
- ۱۵۵ □ یار فرزانه / از کلام سخن به پای هنر هیچ کس مثل یار همنا نیست ۲۶۰
- ۱۵۶ □ بخت بلند / من به صحرای فنا خیمه چو مجنون زده‌ام ۲۶۱
- ۱۵۷ □ خانه دل / نمی‌گیری چرا دیگر سراغ خانه دل را ۲۶۲
- ۱۵۸ □ راز دل / هزاران راز دل در سینه دارم ۲۶۲
- ۱۵۹ □ سخن نگاه / سوختم من از نگاه دلبر جانانم ۲۶۳
- ۱۶۰ □ رسوای عشق / عاشق زار توام دل باتو روی جنگ نیست ۲۶۴
- ۱۶۱ □ خاطره شیرین / کی رود یاد تواز خاطره شیرینم ۲۶۵
- ۱۶۲ □ سنگ حوادث / آخر دلم به پیچ و خم موی تو شکست ۲۶۵
- ۱۶۳ □ انوار محبت / غم عشق تو را جز این دل شیدا نمی‌داند ۲۶۶
- ۱۶۴ □ سرفرازی روح / به سویت سرفروبنهادم سا مان من گردی ۲۶۷
- ۱۶۵ □ شکست / جامی که داد ساقی محفل به دست ما ۲۶۸
- ۱۶۶ □ حال دل / اگر از دل همی پرسی منم ازدل خبر دارم ۲۶۸
- ۱۶۷ □ نقش خیال / نقش خیال خاطرت هوش به خواب من ۲۶۹
- ۱۶۸ □ زنده اندر عشق / گرچه می‌دانم که دلدارم نیازدار مرا ۲۷۰
- ۱۶۹ □ بی قرار / من که رسوایم زدست این دل دیوانه‌ام ۲۷۰
- ۱۷۰ □ وجود یار / بی وجود یار راه زندگانی مشکل است ۲۷۱
- ۱۷۱ □ غم عشق / بارها بشکست دل باز هم دلی دارم به دل ۲۷۱

- ۱۷۲ □ واژه کم یاب / نیست بی یاد دلم اندر میان این دلم ۲۷۲
- ۱۷۳ □ حبیب / قلبم اندر سینه می لرزد برایت ای حبیب ۲۷۳
- ۱۷۴ □ سایه خاموش / دگر آهی نمی خیزد که سوزد مرغ جان من ۲۷۴
- ۱۷۵ □ تمنای وصال / نروم جز به درخانه تو جای دگر ۲۷۵
- ۱۷۶ □ جولان / تا فرو بستم از سخن لب را ۲۷۶
- ۱۷۷ □ عشق و رؤیا / شبی درمن نشسته عشق و رؤیا ۲۷۶
- ۱۷۸ □ سینه مجروح / به کلک عشق نوشتم به روی سینه زارم ۲۷۷
- ۱۷۹ □ سوخته دل / اگر جدا بنماید بند از بندم ۲۷۷
- ۱۸۰ □ تضمین از غزل حافظ / بیا وفا بنمائیم یار هم باشیم ۲۷۸
- ۱۸۱ □ چشمان منتظر / از خمار چشم تو دیوانه گردد عاقلی ۲۷۹
- ۱۸۲ □ زوال عمر / عمر من چون ابر تندر از کنارم می رود ۲۷۹
- ۱۸۳ □ پند پندار / آدمی چون پیر شد حرصش شکوفامی شود ۲۸۰
- ۱۸۴ □ خریدار یوسف / همچو یوسف سر بازار خریدار توام ۲۸۱
- ۱۸۵ □ خورشید با طراوت / ماه رخسار رخت بر لاله پهلوی می زند ۲۸۲
- ۱۸۶ □ گلدسته مینا / رنگ رخساره چو گلدسته مینا شده است ۲۸۲
- ۱۸۷ □ اشک و سوز / اشکی که سوز او ز شرار جگر بود ۲۸۳
- ۱۸۸ □ زخمی عشق / عشق تازخمی به دل زدمرحم و درمان نبود ۲۸۳
- ۱۸۹ □ ایام ماضی / یاد ایامی که گل اندر گلستان داشتم ۲۸۴
- ۱۹۰ □ درد و درمان / ندارد چون که دردی تا که اودرمان من داند ۲۸۵
- ۱۹۱ □ مفتون دلدار / دلم مفتون دلدار است زان مدهوش و دلخواهم ۲۸۵
- ۱۹۲ □ امواج / گه شکایت ازدل و گه شکوه دلدار می ندارم ۲۸۶
- ۱۹۳ □ بطن شعر / شمرم از بطن وجودم اگر آغاز شود ۲۸۷
- ۱۹۴ □ باغستان دل / تویی آن گل به باغستان دل بسیار زیبایی ۲۸۷
- ۱۹۵ □ صفای چشمه / گرچه ایامم ز عشقت پر زغم باشد مرا ۲۸۸
- ۱۹۶ □ گوش برزنگ / منتظر ناگوش برزنگم زیار آید خبر ۲۸۸
- ۱۹۷ □ خار و گل / دلم خواهد چو خارگل نشینم روی دامانت ۲۸۹
- ۱۹۸ □ دام عشق / چه دام است اینکه آخر ایندلم گشته گرفتارش ۲۹۰
- ۱۹۹ □ باده فروشی / دیدم اندر کوچه آن مه پاره باده فروش ۲۹۱

- ۲۰۰ □ سودا / دل زارم شده سودازده روی نگار ۲۹۲
- ۲۰۱ □ بهای اشک / اشکی به پای عشق چکد کیمیا بود ۲۹۲
- ۲۰۲ □ طوبی / کسی که به ز تو در نزد من در این عالم ۲۹۳
- ۲۰۳ □ اعجاز خدا / سخن با آئینه گفتم بزد بر من چو لبخندی ۲۹۳
- ۲۰۴ □ پروانه سوخت / فصل دی گلشن فسر از عشق شمع پروانه سوخت ۲۹۴
- ۲۰۵ □ عشق ورزیدن / در طریق عشق ورزیدن جفا دیدن خوش است ۲۹۵
- ۲۰۶ □ نهال آرزو / تا نهال آرزو بر صفحه دل کاشتم ۲۹۶
- ۲۰۷ □ اشک ولاله / ز بس بگریست روز و شب دلم بهر تمنایم ۲۹۷
- ۲۰۸ □ کوشش وصل / مکن کوشش به وصل خویش ای عشق ۲۹۹
- ۲۰۹ □ پیروش / ای پیروش اگر چه دیدن تو کعبه عشق و آرزوی من است ۳۰۰
- ۲۱۰ □ جرم عشق / به جرم عشق عاشق را مقدر سوختن باید ۳۰۱
- ۲۱۱ □ حسرت دیدار / بهر دیدار دلم ساعت شماری می کند ۳۰۱
- ۲۱۲ □ سراب / آب می کردم طلب دیدم سراپا بیش نیست ۳۰۲
- ۲۱۳ □ شمع خاموش / آب می گردد چو شمع انجم جسم نزارم ۳۰۳
- ۲۱۴ □ زخم دل / کیست تا آید بر این زخم درون مرحم گذارد ۳۰۴
- ۲۱۵ □ دلبر طناز / خوشا حال تو ای دلبر که محبوبی به تنهایی ۳۰۵
- ۲۱۶ □ ارمغان / برایت هدیه ای دارم که باشد در توان من ۳۰۶
- ۲۱۷ □ دلبر حقیقی / ای دلبر حقیق ای مایه امید من ۳۰۷
- ۲۱۸ □ دنبال دل / تو را من دوست میدارم همی می دانی احوالم ۳۰۸
- ۲۱۹ □ سرگذشت مراد / از این شکسته قفس بر کجا سفر دارم ۳۰۹
- ۲۲۰ □ دلگشا / خدا نظر که به ابروی دلگشای تو دارد ۳۰۹
- ۲۲۱ □ ترجمان عشق / ترجمان عشق باشد اشک دانه دانه ام ۳۱۰
- ۲۲۲ □ وفا وعهد / نمودم عهد بادلبر که تا جان در بدن دارم ۳۱۱
- ۲۲۳ □ دروازه بخت / به سینه حبس نفس شد دگر نمی آید ۳۱۲
- ۲۲۴ □ راز درون / عشق یارم بر دل است با کفر و ایمان کار نیست ۳۱۲
- ۲۲۵ □ هاتف غیبی / سحر ز هاتف غیبم به گوش مژده رسید ۳۱۳
- ۲۲۶ □ مرز جان / بیا که در غم عشقت ز مرز جان گذرم ۳۱۳
- ۲۲۷ □ تدبیر / کشتن عاشق دلخسته به شمشیرم نیست ۳۱۴

- ۲۲۸ □ وایسته / بتی دارم خدا از چشم بد اورا امان دارد. ۳۱۵
- ۲۲۹ □ شیشه صبر / در همه روی زمین همچونی شیدا نیست ۳۱۶
- ۲۳۰ □ پایداری / کی از تو سرد شوم گردل من آزاری ۳۱۶
- ۲۳۱ □ آخرین کلام / گوش کن حرف دلم را که از آن بی خبری. ۳۱۷
- ۲۳۲ □ یوسف کنعان / ای دلا حسرت مخور یوسف به کنعان می رسد. ۳۱۷
- ۲۳۳ □ طغیان / چیست اندر سینه عاشق که طوفان می کند. ۳۱۸
- ۲۳۴ □ خمار غفلت / من خمار غفلتم از مستی پیمانه ام. ۳۱۹
- ۲۳۵ □ آتشین سرود / به کوی یار رسان آتشین سرودم را. ۳۲۰
- ۲۳۶ □ قرار و صبر / دوش در خواب بدیدم رخ زیبای نگار. ۳۲۰
- ۲۳۷ □ لعل میگون / تاصفاً این دلم از لعل میگون توشد ۳۲۱
- ۲۳۸ □ بیدار باش / دلا شویا غیر دیگر که از دلبر خبر ناید ۳۲۲
- ۲۳۹ □ شمع شب افروز / شمع رویت دلیرا اینک دلم پروانه کرد. ۳۲۳
- ۲۴۰ □ درمان / کیست تا آید براین زخم دلم درمان کند ۳۲۴
- ۲۴۱ □ سرا پرده / کجا قدر و کمال چون تویی هر بی بصر داند. ۳۲۵
- ۲۴۲ □ عشق و شباب / آتش عشق تو آخر دل من کرد کباب. ۳۲۶
- ۲۴۳ □ افسوس / بدون روی نکوی تو روزگار افسوس. ۳۲۷
- ۲۴۴ □ برق نگاه / برق چشمانت گرفته جان من در خانه ام. ۳۲۸
- ۲۴۵ □ سحرگاهان / در سحرگاهان سراندر کوی جانان می کنم. ۳۲۹
- ۲۴۶ □ اقتدار / نیست ممکن گرچه از عشق تودل برداشتن ۳۲۹
- ۲۴۷ □ غم و فراق / اندر غم فراغت جز جان دگر ندارم. ۳۳۰
- ۲۴۸ □ گم گشته عشق / گم شدن در عشق بازی چون درآیین من است ۳۳۱
- ۲۴۹ □ پاس داشتن / زخم دل را کیست تا آید گذارد مرحمی ۳۳۲
- ۲۵۰ □ طرُقو / طرُقو ای عاشقان تا منزل جانان روم. ۳۳۳
- ۲۵۱ □ عشق ویرانگر / عشق تو ویران نموده این دل سوزان من. ۳۳۴
- ۲۵۲ □ عشق و روح / میان چشم زیبای تو عکس خویشتن بینم ۳۳۵
- ۲۵۳ □ آزمون / دلا حذر کن از این چند روز دل آزار ۳۳۶
- ۲۵۴ □ مستغرق / شد دلم مستغرق سودای روح افزای تو ۳۳۷
- ۲۵۵ □ اقیانوس / زدم دل بحر و اقیانوس و پایانش نمی دانم. ۳۳۷

- ۲۵۶ □ صبر ایوب / تا که آید پاک ازغم اشک چشمانم کند ۳۳۸
- ۲۵۷ □ طبع روان / طبع من جوی روان و مهر تو بحری عظیم ۳۳۹
- ۲۵۸ □ عهد و وفا / پس دلم بگرفته از دوری و از هجران تو. ۳۴۰
- ۲۵۹ □ عقیق یمن / معرفت درِ یست بی همتا ندارد هر کسی. ۳۴۱
- ۲۶۰ □ چشم براه / ستان توجان من ای دلبرا به جذبه خویش ۳۴۲
- ۲۶۱ □ حق نمک / بردلم نقش تو می ماند هم حق نمک ۳۴۳
- ۲۶۲ □ دیدگاه درون / دیده ام گرفتند از کار به جانم نگرم ۳۴۴
- ۲۶۳ □ آب و رنگ / آب و رنگ هر پری چهری زحسن روی نوست ۳۴۴
- ۲۶۴ □ تفسیر عشق / اگر دانستمی تفسیر آن لعل درخشان را ۳۴۵
- ۲۶۵ □ تیرو کمان / نگار ازغمزه و ابرو به کف تیرو کمان گیرد ۳۴۶
- ۲۶۶ □ سیمرغ / بسوزاند دل زار مرا این عشق پنهانم ۳۴۷
- ۲۶۷ □ اشارت / نظر کن بر رخم دیگر که رفت از دست من کارم ۳۴۸
- ۲۶۸ □ ناقة لیلی / مرنجان این دلم آخر همانند جگرسوزد ۳۴۹
- ۲۶۹ □ زنخدان / پی امید به یک لحظه نگاهت مانم ۳۵۰
- ۲۷۰ □ آب و آئینه / با تو آب و آئینه از عشق شیدایی کند ۳۵۱
- ۲۷۱ □ بهار دائم / گل همیشه بهارم کجا خزان دارد ۳۵۱
- ۲۷۲ □ هوادار کیست / دل به پاس بی هواداری دچار دیده شد ۳۵۲
- ۲۷۳ □ حیرت / کیست تاداند که قدر آن قد رعنا ی تو ۳۵۲
- ۲۷۴ □ انصاف / جز به یک دل از تمام دلبران بیریدم ۳۵۳
- ۲۷۵ □ وعده میعاد / حسرت دیدن تو بر جگرم داد زند ۳۵۴
- ۲۷۶ □ شمع سوخته / در خیالم قد سروت شمع این کاشانه بود ۳۵۴
- ۲۷۷ □ قطره اشک / قطره اشک روان کز پی شیدایی کیست ۳۵۵
- ۲۷۸ □ پری رو / گل شرمگین به پیش پریر و جمال تو است ۳۵۵
- ۲۷۹ □ گنج و یران / چون پریشان طره گیسوی توازشانه بود ۳۵۶
- ۲۸۰ □ جان جانان / دلی پردرد دارم جان جانانم تو را خواهم ۳۵۶
- ۲۸۱ □ افسونگر / چشم افسونگر تو کرد چنان حیرانم ۳۵۷
- ۲۸۱ □ آه جانسوز / کی هوای سرکوی تو رود از یادم ۳۵۸
- ۲۸۳ □ گوشه چشمی / سالهایی است پناهنده بردرگاهم ۳۵۸

- ۲۸۴ □ عقل سلیم / هر کسی را عشق ساقی گشت عقل او ندیم ۳۵۹
- ۲۸۵ □ رسم خوبان / زعهد بی وفایی ها عیس دل بر تو بریستم ۳۶۰
- ۲۸۶ □ سرچشمه هستی / قصه عشق تو شد مرکز من پرگارم ۳۶۱
- ۲۸۷ □ اعتبار حبیب / سرم را پرکن از سودای عشقت اعتبارم ده ۳۶۱
- ۲۸۸ □ محلت دیدار / دوست ندهد دگر محلت دیدار مرا ۳۶۲
- ۲۸۹ □ محو آئینه / دل بسان آئینه ای چون محو رخسار تو شد ۳۶۳
- ۲۹۱ □ حسن و غرور / زفرط حسن مبادا تو را غرور بگیرد ۳۶۴
- ۲۹۲ □ یکرنگی / تا روان خسته ام در ملک تن دارد وطن ۳۶۴
- ۲۹۲ □ غزه به حسن / مشو تو غزه به حسنت ورا بقایی نیست ۳۶۵
- ۲۹۳ □ دفتر عشق / دفتر عشق بود هر ورقش دفتر دیگر ۳۶۵
- ۲۹۴ □ محنا / تو را گر هست ممکن کشتنم یا بند بریستن ۳۶۶
- ۲۹۵ □ طلوع صبح / شعله پر جانم زده از آتش بیداد خویش ۳۶۷
- ۲۹۶ □ خزان / بسان زاله اشک از دیده گوهر بار می گرید ۳۶۸
- ۲۹۷ □ انتظار فرج / دل محنت زده از هجر غمت غمگین است ۳۶۸
- ۲۹۸ □ بیک صبا / نه پیامی ز تو آید که بگیری خبرم ۳۶۹
- ۲۹۹ □ بوی پیراهن / چرا بلبل به بزم گلستان بسیار می خندد ۳۶۹
- ۳۰۰ □ فرویا / تو زیبا نیستی من آفریدم شعر زیبا را ۳۷۰
- ۳۰۱ □ قدمگاه / تا بدیده رخ زیبای تو را چشمانم ۳۷۱
- ۳۰۲ □ زیبایی درون / تو زیبا نیستی من کلک زیبا آفرین دارم ۳۷۲
- ۳۰۳ □ سنگ صبور / توای سنگ صبور من بیا بشنو هم آوازم ۳۷۳
- ۳۰۴ □ کتمان / آخرای سنگ دل این وقعه به کتمان تا کی ۳۷۴
- ۳۰۵ □ سرو و چمن / قد موزون تو بر سرو چمن می خندد ۳۷۵
- ۳۰۶ □ سنگدل / نشنود سنگ دلت آه جگر سوز مرا ۳۷۶
- ۳۰۷ □ قفس تنگ / من آن مرغ غزلخوانم ۳۷۶
- ۳۰۸ □ واژگون / من چه کردم با تو آخر این دلم خون کرده ای ۳۷۷
- ۳۰۹ □ چاک گریبان / دل عاشق چرا چاک گریبان فنا گردد ۳۷۸
- ۳۱۰ □ جام شفق / چه می شد درد من زان بی مروت چاره می آمد ۳۷۹
- ۳۱۱ □ چاره راه / چرا ای سنگدل آخر مرا از خود جدا کردی ۳۸۰

- ۳۱۲ □ نا اهل / مکن در پیش بی دردان دگر فریاد بی حاصل ۳۸۱
- ۳۱۳ □ محفل تاریک / دور از یارم همه شب همچو شمع محفلی ۳۸۲
- ۳۱۴ □ نسیم دوست / نسیم دوست بیا و بیرگناه مرا ۳۸۳
- ۳۱۵ □ چه خبر / خبر این است دلم جانب تو در طلب است ۳۸۴
- ۳۱۶ □ لیاقت / سوز و آهم گوش ده تا بشنوی آوای مستی ۳۸۵
- ۳۱۷ □ خوابت بخیر باد / بشنو تو حرف من که دلت باخبر شود ۳۸۶
- ۳۱۸ □ خواب شیرین / دی بدیدم خوابی از بهرت چو خواب صالحان ۳۸۶
- ۳۱۹ □ ماه منظر / جانم بود فدای توای ماه منظرم ۳۸۷
- ۳۲۰ □ طالب دلدار / دلم مملو از عشق تو باشد هست جای تو ۳۸۸
- ۳۲۱ □ انتظار محبوب / دلم امروز عجب حال و هوایی دارد ۳۸۹
- ۳۲۲ □ عمر نوح / عمر اگر خوش بگذرد طولانی نوح هم کم است ۳۹۰
- ۳۲۳ □ حب دنیا / عمر ما پلایان رسید و ماه و سالی دیگر است ۳۹۱
- ۳۲۴ □ هم زبان / هم زبان بسیار باشد همزه و همدل نبود ۳۹۱
- ۳۲۵ □ چه می شد / چه می شد کادمی گر تابع امر خدا بودی ۳۹۲
- ۳۲۶ □ حدیث عشق / حدیث عقی لیلی در جهان گردید افسانه ۳۹۴
- ۳۲۷ □ خاکدان / بیرون گذار پای از این تنگ خاکدان ۳۹۵
- ۳۲۸ □ یوسف زهرا / دلم خون شد ز تنهایی بیا اندر برم ای جان ۳۹۶
- ۳۲۹ □ تزویر / ای عجب اشرافیان با مال مردم کار نیست ۳۹۷
- ۳۳۰ □ قاصد مرگ / عمر کوتاه بشر چون آفتاب و سایه است ۳۹۸
- ۳۳۱ □ زر اندوزان / ای زر اندوزان آخر با چنین وزر و وبال ۳۹۹
- ۳۳۲ □ قافله سالار / به تودل بسته ام و غیر تو دلداری نیست ۴۰۰
- ۳۳۳ □ عمرو جوانی / عمر چون باد بهاران از کنار من گذشت ۴۰۱
- ۳۳۴ □ ترکیب بند ریا و فریب / ای که هر روز و شب اندر پی جمع مالی ۴۰۱
- ۳۳۵ □ عمر گران / درد و دریغ عمر چو با گیر و دار رفت ۴۰۳
- ۳۳۶ □ مناجات / خداوندا در رحمت نما باز به نام تو سخن ها سازم آغاز ۴۰۴
- ۳۳۷ □ عقل و عشق / عقل و عشق هر دو نمی گیرند در یک سرفراز ۴۰۴
- ۳۳۸ □ دریا دل / حقیقت چهره زیبای تو دارد تماشایی ۴۰۵
- ۳۳۹ □ برای محبوب / نمی دانم که ای دلبر کجایی ۴۰۶

- ۳۴۰ □ عطای مادر / گفت بادل داده خود روزگاری دختری ۴۰۷
- ۳۴۱ □ حسرت عمر / این عمر ما به حسرت یک لب گزیدن است ۴۰۸
- ۳۴۲ □ سنجیدن خوش است / بر جمال رویت ای گل عشق ورزیدن خوش است ۴۰۹
- ۳۴۳ □ شتاب جوانی / عمرم چنان گذشت وبه رفتن شتاب کرد ۴۰۹
- ۳۴۴ □ خنده پروانه / دل بیدار من از ساغرو پیمانه می خندد ۴۱۰
- ۳۴۵ □ تقدیم به دختر خوبم / محبوبه ام حبیبه با ذوق دخترم ۴۱۱
- ۳۴۶ □ هدیه ارزنده / ای نازنین حبیبه ام ای نیک اخترم ۴۱۲
- ۳۴۷ □ حضرت زهرا (س) / خدا کی مادرم باردگر خیزد زیستر ۴۱۴
- ۳۴۸ □ افسوس جوانی / جوانی رفت حسرت ماند بر من زندگانی را ۴۱۴
- ۳۴۹ □ عمر رفته / کاروان عمر رفت و ماند ازمن نیمه جانی ۴۱۵
- ۳۵۰ □ گریز / روم از کویت ای دلبر ندارم تاب تنهایی ۴۱۶
- ۳۵۱ □ درس وفا / درس وفا نخوانده که تا با وفا بود ۴۱۶
- ۳۵۲ □ هجران / بهر نفس دلم از هجر یار می گرید ۴۱۷
- ۳۵۳ □ شیشه دل / درون سینه دل زار من زخم شکست ۴۱۷
- ۳۵۴ □ ندانستم / گمان کردم که این یار وفادار است ندانستم ۴۱۸
- ۳۵۵ □ در خیال یار / در خیال یار افتادم چودر موج سراب ۴۱۹
- ۳۵۶ □ جوانی گذشت / رسید موسم پیری و آن شیباب گذشت ۴۲۳
- ۳۵۷ □ دیده خونبار / زار شد کار من آخر که دلم زار گریست ۴۲۴
- ۳۵۸ □ باغ سرسبز / ای که حسنت همچنان سرسبزی باغ وصال است ۴۲۴
- ۳۵۹ □ باد خزان / این عمر ما به سرعت باد خزان گذشت ۴۲۵
- ۳۶۰ □ خواب و خیال / این دوروز عمر ما نبود بجز خواب و خیال ۴۲۶
- ۳۶۱ □ کهنه سرا / دل میند ایدل دراین کهنه سرای چون حباب ۴۲۶
- ۳۶۲ □ نسیم عمر / عشرت نگر که بر طرف جویبار عمر ۴۲۷
- ۳۶۳ □ کوله بار / دل براین دنیا میند ایدل ندارد اعتبار ۴۲۸
- ۳۶۴ □ غافل / عاقل غره مشو بیهوده برحسن و جمال ۴۲۹
- ۳۶۵ □ تضمین از غزل حافظ / فال حافظ زدم و در نظرم این آمد ۴۳۰
- ۳۶۶ □ طالب دنیا / ای که هر روزو شب اندر طلب دنیایی ۴۳۱
- ۳۶۷ □ خورشید مغرب / دیده ام مشتاق دیدار جمال روی تو است ۴۳۲

- ۳۶۸ □ دلنواز / الا محبوبه‌ام ای دلنواز بهتر از جانم ۴۳۳
- ۳۶۹ □ بالنده / الا ای دلنوازم مهربان یار وفادارم ۴۳۴
- ۳۷۰ □ عشق حقیقی / دل به جان آمد ز دیدار تو ای زیبا نگارم ۴۳۶
- ۳۷۱ □ زمزمه عاشقانه / دوران گذشت و زمزمه عاشقانه‌ام ۴۳۷
- ۳۷۲ □ تصویر / عاشق روی توام این دل بود دنبال تو ۴۳۷
- ۳۷۳ □ سوختن / بی‌مروت باردیگر آتشی افروختی ۴۳۸
- ۳۷۴ □ بادل من چه کرده‌ای / تو را آن روز اندر خانه‌ام دیدم ۴۴۰
- ۳۷۵ □ گل خوش بو / گل خوش بوی من اندر خیالم ۴۴۰
- ۳۷۳ □ دلدار / ای بنایم نام زیبای تو ای دلدار یارم ۴۴۱
- ۳۷۷ □ گنج پنهان / نام زیبای تو گنجی است به از گنج جهان ۴۴۲
- ۳۷۸ □ خزان عمر / خوش بود عمر گران اماندارد پایداری ۴۴۳
- ۳۷۹ □ سودا زده / من که سودا زده‌ام و جمال تو شدم ۴۴۴
- ۳۸۰ □ تلخ و شیرین / زندگانی تلخ و شیرینی بهم پیوسته است ۴۴۴
- ۳۸۱ □ عشق و طریق / عاشقت گشتم که می‌دانم تو از گل بهتری ۴۴۵
- ۳۸۲ □ گلایه / از دست تو ای نادره صدها گله دارم ۴۴۵
- ۳۸۳ □ عقیق سرخ / ندانمت به کجایی که این دلم تنگ است ۴۴۶
- ۳۸۴ □ غمخانه دل / کو غمت تا اینکه اندر خانه این دل نشیند ۴۴۷
- ۳۸۵ □ پروانه می‌داند / چنان سوزم که سوزاین دلم پروانه می‌داند ۴۴۸
- ۳۸۶ □ بی‌مهری / تو بی‌مهری کنی دانی صدایم در نمی‌آید ۴۴۸
- ۳۸۷ □ همین بود / عزیز من وفاداری همین بود ۴۴۹
- ۳۸۸ □ دوست یابی / چه باید کرد بهر دوست داری ۴۵۰
- ۳۸۹ □ بوی حبیب / بوی دلدار شنیدم ز نسیم سحری ۴۵۱
- ۳۹۰ □ معاش / ای که دل بستی بر این دنیای چون کهنه قماش ۴۵۱
- ۳۹۱ □ اسحار / سحر در گوش من آمد ندا از عالم بالا ۴۵۲
- ۳۹۲ □ جوی روان / دریغ و درد که این عمر با شتاب گذشت ۴۵۳
- ۳۹۳ □ گل زهرا / تو آن گلی به گلستان بیات من خارم ۴۵۳
- ۳۹۴ □ تیر از کمان گذشت / عمرم به سرسیده چو جوی روان گذشت ۴۵۴
- ۳۹۵ □ غنیمت عمر / چه خوش است عمر درینا نبود جاویدان ۴۵۵

- ۳۹۶ □ عمر بی امان / عمر چون جوی روان موج زنان درگذر است ۴۵۵
- ۳۹۷ □ افراز / به نام حضرت داور سخن کنم آغاز ۴۵۶
- ۳۹۸ □ چشمه امید / به تو دلبرتم و زین بستن دل خورسندم ۴۵۷
- ۳۹۹ □ یاد مان / به یاد عشق تو مانم که تا بدرود جان من ۴۵۷
- ۴۰۰ □ جویبار رحمت / تو کیستی که دلم طالب محبت تو است ۴۵۸
- ۴۰۱ □ انتخاب / کاش من هم گلمذاری داشتم ۴۵۹
- ۴۰۲ □ گران کالا / سرم سودای دلداراست و دل را نیست انکارم ۴۶۰
- ۴۰۳ □ مقام مادر / در تحیر عالم از عذو جلال مادر است ۴۶۱
- ۴۰۴ □ عشق و راستی / راستین عشقی است بر جانم همین باد بس ۴۶۱
- ۴۰۵ □ عشق و پاکی / شنو عزیز دلم از وفا تو راز مگویم ۴۶۲
- ۴۰۶ □ نگین / بیا ای گل بهار و باورم باش ۴۶۲
- ۵۰۷ □ شاعر آزاده / شاعرم شاعر آزاده نه اندر بندم ۴۶۳
- ۴۰۸ □ دام هوا / هرکه به رفوت خود کوشد پی جام هوا ۴۶۴
- ۴۰۹ □ پند ناصح / ای برادر بادرایت پند ناصح دار گوش ۴۶۴
- ۴۱۰ □ قبله دلها / جان به جان آمده از هجرت مولا برگرد ۴۶۵
- ۴۱۱ □ قلب تپنده / ای خدا امشب دلم گردیده تنگ ۴۶۵
- ۴۱۲ □ بر لوح مزارم / من آن مرغ غزلخوانم ۴۷۲
- ۴۱۳ □ سوگند / هزار شکر خدا را به بودند ای یار ۴۷۳
- ۴۱۴ □ باب معرفت / هرکه را جسم به باب معرفت بی هوش نیست ۴۷۶
- ۴۱۵ □ منظومه عاشقانه
- فصل اول / به نام آنکه باشد حضرت دوست ۴۷۶
- فصل دوم / به نام خالق ایجاد مطلق ۴۸۴
- فصل سوم / به نام خالق دادار یکتا ۴۹۱
- فصل چهارم / به نام خالق ایجاد هستی ۴۹۷
- فصل پنجم / به نام آنکه ستار العیوب است ۵۰۴
- فصل ششم / به نام آنکه بی مثل و نظیر است ۵۱۲
- فصل هفتم / به نام خالق هفت آسمانها ۵۲۰

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد (ص) وآله الطيبين

وائمة المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين

قال رسول الله (ص) افضل الناس من عشق العباد

گرامی ترین مردم کسی است که با عشق خدا را عبادت کند

وقتی که عقل دروازه های شهر عشق را بر ما گشود و در آستان آن شهر می نشیند و

پاسبانی کند.

و از ورود دزدان و غارتگران که بدی ها و اهریمنان عالم هستی مدد کارند جلوگیری

می نمایند یوسف و آن چاک پیراهن که پای تهمت است خنده بر سستی ایمان زلیخا می زند

شعر یک عشق است که مبدعش از دل سر چشمه می گیرد از قلب تراوش می کند در پیرامون

مرکز نقطه پرگاری چرخد خواسته های قلبش را روی کاغذ آورد خواه این نقطه پرگار خدا

باشد خواه اهلبیت معصومین (ع) و یا زن و مال و هر چیزی دیگر بلبل ارنا لد زنو آموزی عشق

است عشق هیچ گاه نشنیدی از پروانه صوتی دل ربا اگر هدف مقدس باشد زیبا است شعر در

پیشرفت کارهای کشوری و لشکری و حماسه ها و جبهه ها کارایی زیاد دارد اگر عاشق شوی از

آتش سوزان نمی ترسی به راه عشق نتوان گشت از پروانه ای کمتر در هزار و یک نکته تالیف

حسن زاده آملی دارد که إِنَّ هَذَا لَقُلُوبَ کَمَا تَمَلُّ الْاَبْدَانُ فَاَبْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحُكْمِ این قلب‌ها خسته می شوند همان گونه که بدن‌ها خسته می شوند پس برای آنها دانش‌های تازه و شگفت آور بطلبید اگر عشق نباشد زندگی هدفمند نخواهد شد شکسپیر می‌گوید عشقی که با اشک‌های چشم شستشو شود همیشه پاکیزه و تمیز خواهد ماند بخشی از کتاب حاضر (دیوان هدیه یار) شامل مدایح و مراثی اهل بیت (ع) می‌باشد که امید است انشاء الله مورد عنایت ارباب قرار گیرد و بخشی دیگر شامل غزلیات رباعیات قصیده و مثنوی می‌باشد امید است ارباب معرفت بادیده اغماض بنگرند و دیوان آزادگان عشق از سروده‌های اینجانب در سال ۱۳۷۹ در تهران یک هزار و یکصد نسخه به چاپ رسید اگر نگویم نایاب بلکه کم یاب می‌باشد به عرض رسانم این جانب محمد حسین محمدی فرزند علیجان متولد ۱۳۲۳ در یکی از قرأ آستانه اشرفیه گیلان به نام پنجاه چشم به جهان گشودم دوره ابتدائیم را در مکتب‌خانه با فراگرفتن قرآن مجید نزد چند تن اساتید آموختم سپس درحوزه علمیه آستانه اشرفیه مشغول فراگرفتن مقدمات شدم درسم را قایم به خود سیوطی رسانیدم چون پدرم فردی کشاورز و دست تنها بود مرا از حوزه بیرون آورده تا در کارهای کشاورزی کمک کارش شوم از زمانی که خواندن فارسی را آموختم یعنی در سن هفت سالگی بود چون علاقه زیادی به مداحی و مرثیه خوانی اهل بیت عصمت و طهارت را داشتم به تشویق پدر و مادرم شروع کردم بارها شد که خانواده در منزل از من می‌خواستند برایشان مداحی کنم من شروع می‌کردم هنوز شعرهایم به اتمام نرسیده مادرم سیده بود به جواری گریه می‌کرد که نزدیک بود از حال برود به ناچار یکی از خواهرانم می‌آمد آن کاغذ نوشته شده را از دستم می‌گرفتند و می‌گفتند می‌بینی که داره میره کوتاه بیا به ناچار نیمه تمام رها می‌کردم خدا همه پدر و مادران را رحمت فرماید انشاء الله و اینک مجموعه شعرهایم نشانگر محصول سال‌های عمر پراشتاب منست که عمری در جستجوی دلی همدرد بودم تا نگاهی به رویم لبخند زند و عمرخویش را در گمنامی سپری کردم هزاران بار شعرهایم را در مجالس خواندم و شاعر شعر را معرفی نکردم و با آرزوهایم در غبار زندگی محو شدم و اینک سروده‌هایم که محصول عمر منست که با بیان ساده سروده نشانگر زندگی تلخ من و همچون ضربان قلب منست به شعرهایم عشق

می‌ورزم که در روزگار تنهایی مونس و یارم بود هر وقت دلم می‌گرفت وضو می‌گرفتم به پای
عشق شعرنستم اگر خداوند یاری‌ام کند انشاء الله دیوان «مشعل راه» از سروده‌های اینجانب
است در آینده به چاپ خواهد رسید از عزیزانی که در چاپ این کتاب تایپ و بازنویسی این
حقیر را یاری کردند تشکر و قدردانی می‌کنم.

۸۳/۳/۲۶

محمد حسین محمدی «خوشنوا»



www.ketab.ir